

شهر تاریخی اصفهان و ارزش‌های نهفته در آن

مهرنوش طلائی

«... و اول محرم از آنجا برفتیم و به راه کوهستان روی به اصفهان نهادیم (۱). در راه به کوهی رسیدیم دره تنگ بود. عام گفتندی این کوه را بهرام گور به شمشیر بریده است و آن را "شمشیر برید" می‌گفتند. و آنجا آبی عظیم دیدیم که از دست راست ما از سوراخ بیرون می‌آمد و از جایی بلند فرو می‌دوید و عوام می‌گفتند این آب به تابستان مدام می‌آید و چون زمستان شود باز ایستد و یخ بندد. و به لوردغان رسیدیم که از ارجان تا آنجا چهل فرسنگ بود.

و این لوردغان سرحد پارس است. و از آنجا به خان لنجان رسیدیم و بر دروازه شهر نام سلطان طغرل بیک نوشته دیدم. و از آنجا به شهر اصفهان هفت فرسنگ بود. مردم خان لنجان عظیم ایمن و آسوده بودند. هر یک به کار و کلدخائی خود مشغول.

از آنجا برفتیم، هشتم صفر سنه اربع و اربعین و اربعمائه (۲) بود که به شهر اصفهان رسیدیم. از بصره تا اصفهان صد و هشتاد فرسنگ باشد. شهری است بر هامون نهاده (۳)، آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند آبی سرد خوش بیرون آید. و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته، و بر همه بارو و کنگره ساخته. و در شهر جوی‌های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع. و در میان شهر مسجد آدینه بزرگ نیکو. و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است و اندرون شهر، همه آبادان، که هیچ از وی خراب ندیدم و بازارهای بسیار. و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود. و هر بازاری را درندی و دروازه‌ای، و همه محلت‌ها و کوچه‌ها را همچنین دربندها و دروازه‌های محکم و کاروانسرای پاکیزه بود. و کوچه‌ای بود که آن را کو طراز می‌گفتند. و در آن کوچه پنجاه کاروانسرای نیکو و در هر یک بیاعان و حجره داران بسیار نشسته. و این کاروان که ما با ایشان همراه بودیم یک هزار و سیصد خروار بار داشتند که در آن شهر رفتیم، هیچ بازدید (۴) نیامد که چگونه فرود آمدند، که هیچ جا تنگی موضع نبود و نه تعدر مقام و علوفه و چون سلطان طغرل بیک ابوطالب محمد بن میکال بن سلجوق. رحمته الله

علیه (۵) آن شهر بگرفته بود، مردی جوان آنجا گماشته بود، نیشابوری دبیری نیک با خط نیکو، مردی آهسته، نیکو لقا و او را خواجه عمید می‌گفتند، فضل دوست بود و خوش سخن و کریم. و سلطان فرموده بود که سه سال از مردم هیچ چیز نخواهند. و او بر آن می‌رفت و پراکندگان همه روی به وطن نهاده بودند. و این مرد از دبیران سوری بوده بود (۶). و پیش از رسیدن ما قحطی عظیم افتاده بود. اما چون ما آنجا رسیدیم جو می‌درویدند و یک من و نیم نان گندم به یک درم عدل و سه من نان جوین هم. و مردم آنجا می‌گفتند هرگز بدین شهر هشت من نان کمتر به یک درم کس ندیده است.

و من در همه زمین پارسی گویان، شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم. و گفتند اگر گندم و جو و دیگر حبوب بیست سال بنهند تباه نشود. و بعضی گفتند پیش از این که بارو نبود هوای شهر خوش‌تر از این بود، و چون بارو ساختند متغیر شد چنان که بعضی چیزها به زیان می‌آید، اما هوای روستا همچنان است که بود.

و به سبب آن که کاروان دیرتر به راه می‌افتاد بیست روز در اصفهان بماندم. و بیست و هشتم صفر بیرون آمدم...».

آنچه از نظراتان گذشت توصیف شهر تاریخی اصفهان است در سفرنامه اعجاب انگیز حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی که در طحّ سفر شگفت انگیز هفت ساله‌اش درست ۹۵۱ سال پیش (۷) در سنّ ۴۹ سالگی از اصفهان دیدن کرده و بنا به گفته خودش مدّت ۲۰ روز در این شهر اقامت داشته است.

گزارش ناصر خسرو هر چند بسیار مختصر و فشرده، ولی یکی از قدیمی‌ترین اسناد معتبری است که درباره اصفهان در اختیار داریم.

بخش اول: شهر تاریخی اصفهان

شهر اصفهان موضوعی بسیار گسترده و وسیع است که بحث درباره آن نه تنها روزها و هفته‌ها را کفایت نمی‌نماید بلکه نیاز به ماه‌ها و سال‌ها بررسی دارد.

سخنان امروز من درباره این شهر تاریخی مقدمه‌ای بسیار مختصر و فشرده است که به مثابه ورق زدن یک کتاب قطور در چند لحظه می‌باشد. اصفهان شهری است که نه تنها برای ما ایرانی‌ها بلکه برای جامعه فرهنگ جهانی حائز اهمیت بسیار است. به عنوان نمونه یونسکو (۸) میدان

نقش جهان را در فهرست آثار تاریخی ارزشمند به ثبت رسانیده است، و هم اکنون علاوه بر ایران در شماری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی در خارج از ایران محققین و صاحب نظران بسیاری روی موضوع اصفهان مطالعه و تحقیق می‌نمایند.

شهر اصفهان تقریباً در مرکز ایران و بر روی جلگه یا دشت اصفهان قرار گرفته و همانگونه که ناصر خسرو در سفرنامه‌اش ذکر می‌کند "شهری است بر هامون نهاده". دشت یا جلگه اصفهان از سوی شرق به دشت کوپرواز سوی غرب به زردکوه بختیاری از سلسله جبال زاگرس منتهی می‌گردد. زردکوه بختیاری منبع تأمین آب زاینده رود است که آب این رودخانه، برای مصارف درون شهری، کشاورزی و صنعتی اصفهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اصفهان هوایی چهار فصل دارد با تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های سرد توأم با برف و یخبندان. موقعیت اصفهان به گونه‌ای است که بر سر راه شمال به جنوب (تهران به شیراز) و غرب به شرق (لرستان به یزد و کرمان) قرار گرفته است. روستاهای اطراف اصفهان از نوع معماری خشت و گلی بهره می‌گیرند. در ساختمان‌های این دهات معمولاً دیوارها خشتی یا چینه‌ای و طاق‌ها گنبدی یا نیم استوانه‌ای است که با پوشش کاهگل محافظت می‌گردد. چوب و دیگر مصالح محلی نیز در بناها کاربرد دارد.

شهر اصفهان به امکان زیاد از نادر شهرهای ایران بشمار می‌رود که در طول تاریخ دارای چهار طرح جامع بوده است. اولین آن متعلق به دوره آل بویه و دومین در دوره صفویه و دو طرح آخر مربوط به دوره معاصر و در حدود سه چهار دهه پیش برای این شهر در نظر گرفته شده است که هر چند طرح سوم به طور کلی منسوخ و کنار گذاشته شد ولی در طرح جامع نهائی یا طرح چهارم هم متأسفانه ضابطه‌های لازم در حفظ و نگهداری بافت قدیمی و تاریخی شهر در نظر گرفته نشد و آنچه که در این طرح عرض گردید صرفاً تقلیدی از الگوهای توسعه شهرهای صنعتی ممالک غربی بوده است.

شکل‌گیری و پیدایش شهر اصفهان از توسعه دهکده‌های پراکنده‌ای در شمال زاینده رود آغاز گردیده است. مهم‌ترین این دهکده‌ها به ترتیب یاوان، یهودیه و خوشینان می‌باشند. این سه دهکده در رشد و توسعه طبیعی خود با روستاهای دیگری که در اطرافشان پراکنده بوده ادغام گردیده و در نتیجه توسعه طبیعی شهر به سمت جنوب و زاینده رود جهات گرفته است. در دوره صفویه، یا بهتر بگوئیم در طرح جامع صفوی، ساختار اصلی شهر را دو محور شرقی غربی و شمالی جنوبی عمود

بر هم تشکیل داده. محور شرقی غربی که محوری طبیعی بشمار می‌رود زاینده رود است و محور شمالی جنوبی که محور مصنوعی شهر بشمار می‌رود، خیابان چهار باغ است که از کاخ جهان نما (۹) آغاز گردیده و با عبور از پل الهوردی خان (سی و سه پل) و گذر از رودخانه در مسیر خیابان چهار باغ بالا به سمت جنوب تا باغ هزار جریب (۱۰) امتداد داشته است.

از ویژگی‌های دیگر شهر اصفهان وجود پنج پل تاریخی در داخل شهر و بر فراز زاینده رود می‌باشد. این پل‌ها به ترتیب در جهت جریان زاینده رود از غرب به طرف شرق عبارتند از: پل مارنان، ۲- پل الهوردی خان یا سی و سه پل، ۳- پل جویی، ۴- پل خواجو و پنجمین که در واقع قدیمی‌ترین پل این مجموعه تاریخی بی‌نظیر می‌باشد، پل شهرستان است. به جز پل شهرستان که شالوده آن از دوره ساسانیان به یادگار مانده بقیه چهار پل تاریخی در عهد صفویه بنا گردیده است. ناگفته نماند که از دهه سی شمسی تا دوران معاصر، تعداد شش پل جدید به منظور بر طرف نمودن مشکلات ترافیکی شهر اصفهان بر روی زاینده رود احداث گردیده است که از موضوع این بحث خارج است (۱۱).

سایر ابنیه ارزشمند و حائز اهمیت تاریخ شهر اصفهان عبارتند از: مسجد جامع عتیق، میدان کهنه، مناره مسجد علی و هارون ولایت، بازار اصفهان و منضمات آن با بافت بسیار غنی و سنتی آن، میدان نقش جهان، عمارت عالی قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله، کاخ چهل ستون، کاخ هشت بهشت، مدرسه چهار باغ، کاروانسرا و بازارچه مادر شاه و همچنین پل‌های تاریخی پنجگانه که در پیش ذکر آن گذشت.

بخش دوم: خانه حاج محمد خوراسکانی

خانه حاج محمد خوراسکانی یک نمونه بسیار جالب توجه و متنوع از این گونه منازل تاریخی است که تعدادشان در شهر اصفهان چندان کم نبوده است و به امید آن که این آثار بسیار با ارزش از گزند زمانه محفوظ مانده باشند.

خانه حاج محمد خوراسکانی احتمالاً در سال‌های آخر دروه صفویه بنا گردیده. این بنا به تدریج در دوران بعد از صفویه به کمال رسیده و تزئینات بسیار درخور توجه به آن اضافه گردیده و این روال پیشرفت و تکامل تزئینات تا اواخر دوره قاجاریه ادامه داشته است. در واقع نسل بعد از نسل در شکوهمند نمودن این واحد مسکونی بی‌همتا کمال همت، پشتکار و سلیقه را به خرج داده‌اند.

این خانه مانند اغلب منازل سنتی از دو بخش بیرونی و اندرونی تشکیل گردیده و شامل دو حیاط است که اولی کوچکتر و برای قسمت بیرونی و دومی حیاط بزرگتر و برای بخش اندرونی در نظر گرفته شده است و دارای اتاق‌های متعدد می‌باشد که در اینجا به توصیف سه اتاق از این مجموعه نفیس بسنده گردیده است. اتاق پنج دری اصلی رو به حیاط بزرگ قرار گرفته و دارای ارسی مشبک با شیشه‌های تزئینی رنگین بسیار زیبا می‌باشد. در طرفین این اتاق، دو اتاق کوچکتر قرار دارد که هر یک با دو لنگه درب چوبی تماماً تزئین شده و بسیار نفیس، از اتاق بزرگ پنج دری مجزا می‌گردد. در هر یک از این دو اتاق کوچکتر، بخاری دیواری تعبیه گردیده که با گچ بری و نقاشی تزئین شده است ولی در دیوارها فقط از تزئینات نسبتاً ساده بهره گرفته‌اند.

اتاق پنج دری مرکزی تماماً از کف تا دیوارها و سقف منقش به نقوش و تصاویر زیبا می‌باشد که بیشتر شامل منظره، پرندگان و حیوانات، گل و بوته و در مربع مستطیل‌های نسبتاً بزرگی تصاویری شبیه شاهزادگان نقاشی گردیده است. سقف گنبدی شکل اتاق مرکزی تماماً از درون به صورت کاربندی و مقرنس کاری ساخته و پرداخته شده و در هر یک از سطوح کوچک آن نقاشی‌هایی از یکی از داستان‌های قدیمی و تاریخی مانند داستان خسرو و شیرین به چشم می‌خورد. در بدنه بالای دیوارهای این اتاق چندین طاق نما تعبیه گردیده که در هر یک از آنها تصاویر بسیار زیبایی از زنان موسیقی‌دان در حال نوازندگی و رقص، نقاشی گردیده است. در این نقاشی‌ها نوازندگان کمانچه، تار، سنتور، تنبک، دف و همچنین دوزن در حال رقص و دست افشانی دیده می‌شوند.

بخش سوم: حمام خسرو آقا

در سال ۱۸۴۰ م (۱۲۱۹ ش) دو هنرمند برجسته فرانسوی، اولی نقاش به نام اوژن فلاندن Eugene Flandin و دومی مهندس معمار و باستان‌شناس به نام پاسکال کست Pascal Coste به ایران سفر نموده و در طول چند سال اقامت در اصفهان نقاشی‌ها و طرح‌های بسیار زیادی از بناهای تاریخی این شهر تهیه می‌نمایند. نامبردگان در حوالی دهه ۱۹۶۰ م این آثار هنری ارزشمند را در فرانسه به صورت کتابی به چاپ می‌رسانند. هر یک از این تصاویر ذکر شده نیز متعاقباً به گونه برگه‌های مجزا و در اندازه‌های کاملاً متنوع بزرگ و کوچک، حتی به صورت کارت پستال چاپ مجدد شد و در دسترس سیاحت‌کنندگان خارجی که به ایران و بویژه به اصفهان سفر

می نمودند قرار گرفت. در اینجا لازم است یادآور گردم که تعداد قابل توجهی از ابنیه و کاخ‌های بسیار شکوهمند دوره صفویه در اثر عدم توجه به ارزش‌های هنری - تاریخی‌شان و اکثراً در دوران قاجاریه منهدم گردید و از میان رفت. از این بناهای تخریب شده جز همان تصاویر تهیه شده توسط اوژن فلاندن و پاسکال کست اثر دیگری باقی نمانده است. در میان نقاشی‌های ذکر شده طرح بسیار زیبایی از اوژن فلاندن به نام حمام خسرو آقا وجود دارد که گردشگران و بویژه مسافران خارجی‌ای که به اصفهان می‌آمدند به دفعات درخواست دیدن این حمام تاریخی را داشتند. در سال‌هایی که نگارنده در اصفهان شاغل بودم، کسی نمی‌دانست چه بر سر این حمام آمده و محلّ دقیق این بنا کجا بوده است.

در اواخر مرداد ماه ۱۳۵۲ ش، هنگامی که از چند مغازه در جوار خیابان سپه که به منظور احداث خیابان جدیدی در ادامه خیابان استانداری در شرف تخریب بود، بازرسی می‌نمودم، در زیر زمین مغازه بزرگی به نام گز فروشی ارمغان، سنگاب بسیار نفیس و جالب توجهی نظرم را جلب نمود که با خواندن عبارت کتیبه آن دریافتم که سنگاب مزبور متعلق به حمام خسرو آقا می‌باشد. بدون درنگ از مغازه‌های مجاور بازرسی دقیقی به عمل آوردم و مشخص گردید که فضای رخت‌کن (سرینه) حمام خسرو آقا را جمعاً پنج واحد تجارتنی با ایجاد دیوارسازی‌ها و کف‌سازی‌های الحاقی از هم مجزأ نموده و به قول حکیم ناصر خسرو "هریک به کار و کدخدائی خود مشغول". ضمناً قسمتی از ساختمان حمام را بانک پارس به تصرف در آورده و از آن به صورت انبار استفاده می‌نمود. آنچه که مشخص گردید این که ساختمان موجود که توسط واحدهای تجارتنی مورد ذکر اشغال شده است، دقیقاً همان مکانی است که اوژن فلاندن آن را در حدود ۱۲۲ سال پیش نقاشی نموده است. اقدام بعدی که همان روز صورت گرفت، فرستادن گروه نقشه برداری دفتر فنی برای تهیه نقشه‌های دقیق از وضعیت موجود ساختمان حمام به منظور مشخص نمودن دیوارها و سقف‌های الحاقی و همچنین عکسبرداری کامل از تمامی زوایا و فضاها داخلی و خارجی و آنگاه بررسی مدارک فنی فوق و آغاز اقدامات لازم برای پیش‌گیری از انهدام بنا و حفظ و مرمت این اثر تاریخی ارزشمند بود. تمامی عملیات فوق در مدت شش روز به سرانجام رسید و نهایتاً در آخرین روز مرداد ماه در نامه‌ای که به اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان ارسال گردید، حفاظت این بنا، بازپیرائی و مرمت آن، برگرداندن آن به شکل اولیه و ثبت آن در فهرست آثار تاریخی شهر اصفهان را درخواست نمودم.

نتیجه اقدامات ذکر شده به متوقف شدن عملیات اجرائی ادامه خیابان استانداری منجر گردید و کلیه مغازه‌های پنجگانه و انبار مورد ذکر در اختیار دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در استان اصفهان قرار گرفت. آنگاه عملیات حذف دیوارها و سقف‌های الحاقی با به کارگماردن بیش از ۴۰ نفر از کارگران فنی آغاز و متعاقب این عملیات گروه دیگری از ماهرترین استادکاران مجرب اقدام به لایه برداری از اندود گچی اضافه شده روی کاشی کاری‌ها نمودند. کارهای بازیرائی و مرمت حمام خسرو آقا زیر نظر نگارنده که مسؤولیت مستقیم کارگاه فوق را به عهده داشتم به مدت شش ماه به اجرا درآمد و سرانجام این بنای باشکوه دوباره قامت راست کرد و به صورت زیبای اولیه برگشت. پس از این عملیات مرمت این بنای تاریخی پایان گرفت، برای بازدید عموم گشایش یافت، و این اثر زیبا و ارزشمند تاریخی، از طرف اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان برای محل برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای هنری و قهوه خانه سنتی تخصیص داده شد. هر چند اقدامات ثبت موقتی این بنا از آخر مرداد ماه سال ۱۳۵۲ ش پس از ارائه گزارش اولیه این جانب شروع گردیده بود، ولی پس از گذشت یازده ماه، در تاریخ اول مرداد ماه سال ۱۳۵۳ ش سرانجام حمام خسرو آقا رسماً در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

عاقبت غم انگیز حمام خسرو آقا

در سال ۱۳۵۸ ش، عناصر ناشناس از طریق انفجار در دو نوبت قصد تخریب این اثر تاریخی را نمودند که اقداماتشان چندان به نتیجه نرسید (۱۲). ولی سرانجام به استناد خبر منتشره در روزنامه‌های کثیرالانتشار از جمله روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۴۵۳ مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۴ ش به نقل از مدیر میراث فرهنگی استان اصفهان اثر نفیس حمام خسرو آقا که به شماره ۹۷۶ در تاریخ ۱۳۵۳/۵/۱ ش در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده بود تخریب گردیده است (۱۳).

تخریب اثر تاریخی حمام خسرو آقا

عمل غیر قانونی تخریب حمام خسرو آقا، در قلب شهر اصفهان، توسط افرادی ناشناس را بی تردید باید علامت یک بیماری فرهنگی دانست.

این اقدام ناهنجار که موج شدید اعتراض فرهنگ دوستان را برانگیخت هشدار بود به مسئولین که به مسئله حفاظت و احیای ارزش‌های تاریخی فرهنگی این بزرگترین شهر دوران اسلامی کشورمان با حساسیت در خورشان آن توجه شود و تا این حد تنزل نکند که سرنوشت مسائل ارزشی آن توسط عده‌ای ناشناس تعیین شود.

تخریب حمام خسرو آقا در امتداد اعمال ضد ارزشی است که از کنار آن بی تفاوت گذشته‌ایم و به طور قطع در صورتی که تمهید لازم به عمل نیاید کردارهای نابخردانه مشابهی را به دنبال خواهد داشت.

ارزش‌های فرهنگی تاریخی بی‌همتای شهر اصفهان اگر نگوئیم بالاتر از ارزش‌های اقتصادی صنعتی آن است چیزی کمتر از آن نیست.... (۱۴)

یادداشت‌ها

- ۱- سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی زوار - تهران ۱۳۵۶ ش.
- ۲- سال ۴۴۴ ه ق.
- ۳- هامون یعنی زمین هموار. بر هامون نهاده، یعنی در زمین مسطحی واقع و بنا شده است.
- ۴- پدید.
- ۵- ذکر این جمله دعائیه درباره طغرل که در ۴۵۵ ه ق در گذشته است در تاریخ ورود ناصر خسرو به اصفهان در سال ۴۴۴ ه ق ظاهراً مایه شگفتی است.
- ۶- بوده.
- ۷- ۴۳۱ ش برابر ۱۰۵۲ م.

۸ - UNESCO, United Nation Educational, Scientific and Cultural Organisation.

- ۹- کاخ جهان نما که محل آن در دروازه دولت و نزدیک ساختمان شهرداری اصفهان بوده تا سال ۱۳۰۸ ه ق وجود داشته و از این تاریخ به بعد در ردیف بعضی دیگر از بناهای عهد صفویه منهدم شده و از بین رفته است. (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، دکتر لطف الله هنرفر، ص ۴۸۱)

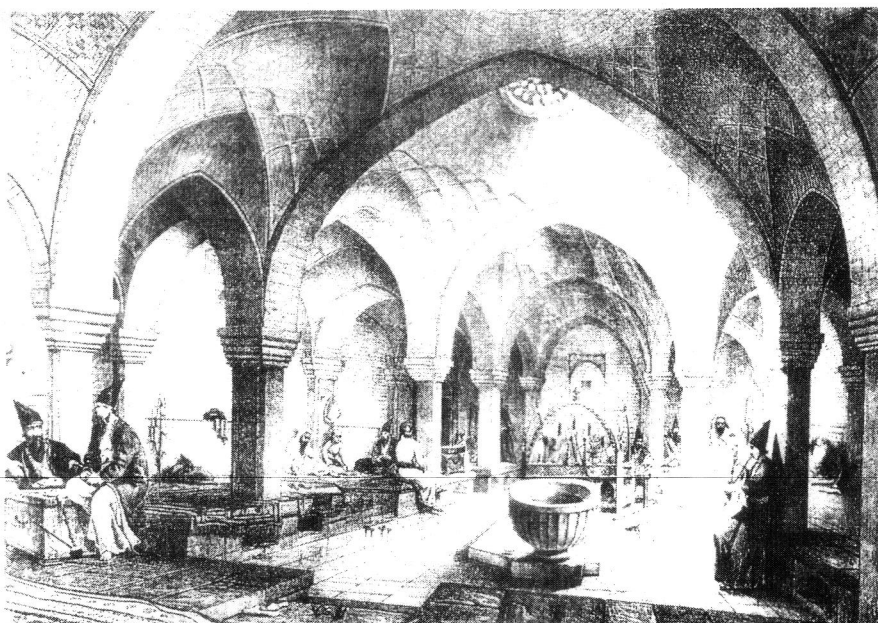
۱۰- از باغ هزار جریب که در جنوبی‌ترین بخش شهر اصفهان و در انتهای چهار باغ بالا قرار گرفته بوده و به باغ عباس آباد هم معروف بوده اینک اثری به جای نمانده است. تنها اثریجا مانده از این باغ تاریخی، یکی از برج‌های چهارگانه آن می‌باشد که متعلق به زاویه شمال شرقی باغ بوده و در حال حاضر در داخل یک محله مسکونی قرار دارد و در سال‌های اخیر مرمت گردیده است.

۱۱- این شش پل جدید به ترتیب از سمت غرب به شرق عبارتند از: "۱" پل وحید در غرب پل مارنان، "۲" و "۳" پل‌های فلزی و آذر که در حد فاصل پل‌های مارنان و الهوردی خان واقع شده و لازم به ذکر این نکته است که پل فلزی اولین پل جدید است که بر فراز زاینده رود زده شده است. "۴" پل فردوسی که بین پل‌های تاریخی الهوردی خان و جوبی قرار گرفته، "۵" پل بزرگ مهر که در سمت شرقی پل خواجه ساخته شده و "۶" پل قدیر که جدیدترین پل و در عین حال شرقی‌ترین پل این مجموعه بوده و در شرق پل بزرگ مهر و غرب پل تاریخی شهرستان واقع شده است.

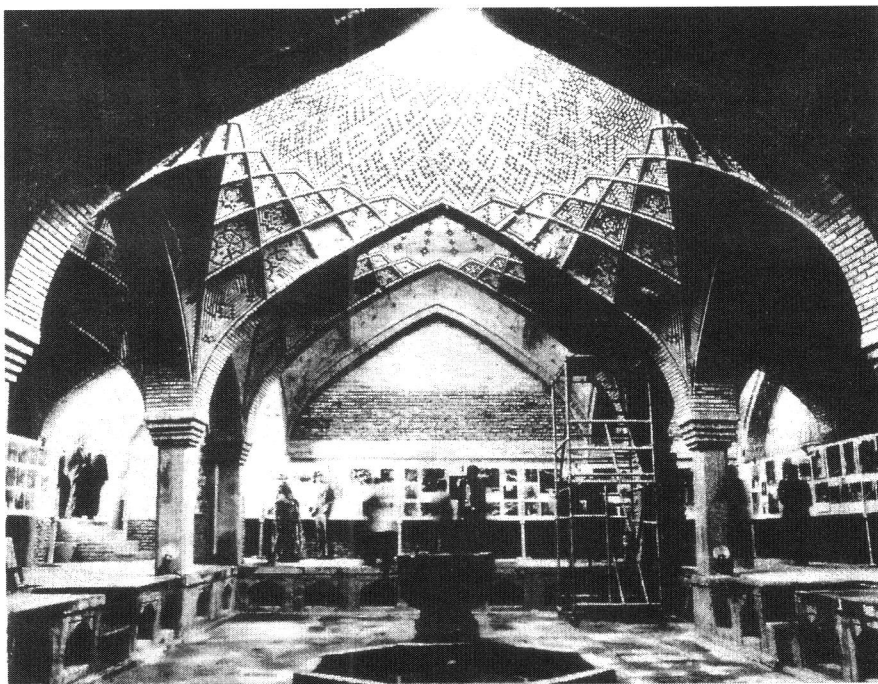
۱۲- اثر شماره یک بهار سال ۱۳۵۹ ش، فصل نامه علمی، فنی و هنری سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۳- اثر شماره بیست و پنج سال ۱۳۷۴ ش، فصل نامه علمی، فنی و هنری سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۴- اثر شماره بیست و پنج، سرمقاله.



حمام خسروآقا - فضای رخت کن، نقاشی فلاندن، در سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۸ ه ق



حمام خسروآقا- فضای رخت کن، پس از تعمیرات سال ۱۳۵۳ شمسی